

عراق در بستر تاریخ

(۳)

در شماره گذشته، تاریخ باستانی عراق را ورق زدیم، و این باستانگاه یکی از تمدن‌های بزرگ جهان را در آینه تاریخ تماشا کرده، و تا عصر ظهور اسلام و فتح عراق توسط مسلمانان، مرور کردیم و دیدیم که چگونه این سرزمین، جزء امپراتوری عثمانی قرار گرفت و بعدها دولت استعمارگر انگلستان، در نیمه اول قرن چهاردهم هجری، طی یک سلسله نقشه‌ها و توطئه‌ها، و لشگرکشی‌ها، این کشور را اشغال کرد. اینک در این شماره، حوادث دوران پس از اشغال انگلستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و با قیام استقلال‌طلبانه مردم در برابر اشغال‌گران به رهبری روحانیت و مراجع بزرگ شیعه آشنا می‌شویم.

عواقب ویرانگر اشغال
عراق توسط انگلستان
استعمار انگلستان به
این دستاویز که می‌خواهد
سند آزادی کشور عراق را
از بسند عثمانی بنویسد
عراق را اشغال نمود اما
تاخت و تاز سپاهیان
بیگانه بر ضد یکدیگر در
این قلمرو و شیوه
چپاولگرانه کارگزاران

زیر پرچم لژیون‌های کارزار که سرگرم پی
کار و قربانی دادن در راه منافع امپریالیستی
بودند، کشانیدند. در اثر کاهش نیروهای
کسار، دشت‌های وسیعی از زمین‌های
کشاورزی (به عنوان نمونه نیمی از
زمین‌های استان موصل) رو به ویرانی

عثمانی و بریتانیا عراق را به سوی
فاجعه‌ای دردآور و فراموش‌نشدنی کشاند.
فرمانروایان عثمانی ده‌ها هزار از نیروهای
مردمی را به رزمگاه جهانخواران راندند و
فرماندهان انگلیسی حدود نود هزار نفر از
کشاورزان این سرزمین را بسیج کردند و

این ره بود که سررشته کارها در پایتخت (بغداد) و مراکز دیگر به دست فرمانداران و رایزنان بیگانه افتاد و انحصارهای انگلیسی از حقوق استثنائی برخوردار شدند و به جای این که به مشکلات کشاورزان رسیدگی کنند، برای کشاندن فتوادل‌های بزرگ به سوی خود آئینی درباره اصلاحات کشاورزی بنیان نهادند که پوششی بر روی غصب زمین‌ها و بیرون آوردن آنها از دست کشاورزان بود. از این رو تیول^(۱) داران به یاری نیروهای بیگانه چون زالو به جان محرومان را بینوایان افتادند و تا توانستند خونشان را مکیدند. این وضع خشم مردمان مسلمان و علمای شیعه را برانگیخت^(۲).

آغاز مخالفت با اشغال انگلستان به

رهبری روحانیت

با اشغال عراق توسط انگلستان و صدور فتواهایی از جانب مجتهدین، مبنی بر وجوب جهاد و مبارزه با این لشگرکشی

نهاد. افت محصولات زراعی و بریده شدن پیوند دیرین بازرگانی میان عراق و سرزمین‌های همسایه، رکودی دردناک را پدید آورد و مردم از نایاب شدن مواد خوراکی و مصرفی به ستوه آمدند، بهای کالاهای اساسی بین ۳۰۰٪ تا ۵۰۰٪ افزوده شد. بیرون بردن سرمایه از کشور و فروش سهام در سطحی گسترده ادامه یافت و بحران اقتصادی را از آنچه بود، وخیم‌تر کرد. اما یغماگران انگلیسی بی‌توجه به نیازهای مردم، آنچه خوراکی و توشه‌های دیگری می‌دیدند، از دست اهالی می‌ستاندند و به کارگزاران و نیروهای نظامی خود می‌دادند. بر اثر سلطه‌گری انگلیس، گرسنگی با گسترش بی‌مانند در تاریخ عراق همه‌جاگیر شد، تنها در سال ۱۳۳۷ هـ.ق در موصل ده هزار نفر از گرسنگی جان سپردند، بیماری‌های واگیردار و خطرناکی چون وبای الثور، طاعون، و مانند آن تلفات انسانی را افزون ساخت، قدرت‌های وابسته به استعمار انگلستان به جای رسیدگی به امور مردم کار سرکوب آنان را در پیش گرفتند تا ایشان را به سرسپردگی در برابر خود وا دارند. از

۱. ملک واگذاری شده.

۲. تاریخ معاصر کشورهای عربی، در. فوبلیکوف (و دیگران)، ترجمه دکتر محمد حسین روحانی، ص ۱۳۳.

با طرح‌های بریتانیا درباره آینده عراق مخالفت می‌کردند، بلکه با حکومت ملی و تشکیلات وابسته به آن از آن جهت که ساخته و پرداخته انگلستان بود، مخالفت می‌کردند. نقش بارز علماء در رهبری انقلاب نجف در تاریخ ۱۳۳۷ هـ ق و در انقلاب بزرگ ثورة العشرین در سال ۱۳۳۹ هـ ق (۱۹۲۰ میلادی) در مخالفت با قضیه قیمومیت، معاهده بریتانیا و عراق درباره حکومت موقت و همچنین در انتخابات مجلس مؤسسان عراق بیشتر نمایان شد. نهضت اسلامی عراق از آنجا که علمای دین عملاً و مستقیماً رهبری این حرکت را در برخورد با قضایای سیاسی و مناقشات منطقه‌ای عهده‌دار بودند، با دیگر نهضت‌ها و قیام‌ها متفاوت بود.

در همان هنگام که آرنولد ویلسون حاکم انگلیسی عراق با برخورداری از نیروی نظامی به سختی مشغول قلع و قمع مخالفان و بدرفتاری با مردم بود و حتی از برگزاری مراسم مذهبی مسلمانان در مساجد و حسینیه‌ها ممانعت به عمل می‌آورد، با ارتحال آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی، آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی به

و به دنبال آن حضور تعداد زیادی از علما در جبهه‌ها و شرکت در جنگ با انگلستان نقش سیاسی و رهبری عملی علما به عنوان حقیقتی مهم بروز کرد که در تغییرات و تحولات پس از آن نتایج، فراوانی را بر جای گذاشت. آنگاه که موضع عملی اسلام در دشمنی و نبرد با استعمارگران آشکار شد و همچنین وقتی که درک عمیق مجتهدین برای اولویت دادن به وحدت اسلامی و دفاع از اسلام مشخص گردید و نیز زمانی که عشایر عراق به دعوت به جهاد پاسخ مثبت دادند، تلاش شد تا برای دستیابی به استقلال کامل و مبارزه با اشغالگران و مسأله قیمومیت، به عامل دینی تکیه بیشتری شود. در طی دوران سلطه نظامی در عراق و سالهای اولیه حکومت قیمومیت و سپس شروع تأسیس حکومت ملی و ادارات و مؤسسات مربوط به آن، نقش بارز علماء در پیشاپیش قیام، آشکار گردید. آنها با هدایت و رهبری حرکت‌های گسترده مردمی در مخالفت با نقشه‌های انگلستان، نقش هدایت‌گرانه خویش را بیش از پیش نشان دادند. مردم به پیروی از علما نه تنها

مقام مرجعیت بزرگ شیعیان رسید، انگلیسی‌ها از این تغییر دچار هراس شدند، حکومت و تسلط بر مسلمین کسانی غیر از افراد مسلمان را انتخاب و اختیار کند».

بر اثر همین موضع‌گیری قساطع مرجع عالیقدر شیعیان بود که مردم عراق به طور کلی زبان به اعتراض و افشای این توطئه گشودند و نقشه انگلیس عقیم ماند. آیه‌الله شیرازی طرح قیمومیت را نیز رد نمود

از مهمترین و اساسی‌ترین عوامل زبانه کشیدن آتش انقلاب در نظر مورخین و ناظرین سیاسی، رجال دین بودند، عده بسیاری از این علما می‌گفتند: اسلام با هیچ‌گونه سیطره و تسلط خارجی در هیچ شرایطی سازگار نیست.

مدتی بعد استعمار انگلیس از طرفی با تبلیغات اعلام داشت که تصمیم گرفته برای انتخاب نوع حکومت از مردم فرزندوم به عمل

و چند هفته بعد نمایندگان انتخابی در دیداری با ویلسون ضمن رد سلطه انگلستان درخواست استقلال کردند که وی نیز طبق معمول به خشونت با آنان رفتار کرد. سپس میرزای شیرازی بیانیه‌ای عمومی صادر کرد که در آن از همه مردم نواحی و مناطق خواسته شده بود تا ضمن فرستادن هیأتی به بغداد تقاضای استقلال کنند و در جریان کار با هم همکاری نمایند و با جلب نظر اقلیت‌ها و حمایت از آنان از هر نوع اختلاف و تفرقه و مشاجره‌ای بین خود جلوگیری کنند چندی بعد آیه‌الله کاشانی همراه شیخ الشریعه اصفهانی

آورد. از سوی دیگر پنهانی عمالش را در بین مردم و ادانت تا به انحای مختلف با این کار مخالفت کنند و بعداً با طرح این عنوان که موضوع همه پرسی را مردم عراق رد کرده‌اند، آن را به تعویق انداخت و عده‌ای خود باخته، فتودال، سرمایه‌دار و سران عشایر اعلام نمودند باید انگلیس بدون فرزندوم بر ما حکومت کند.

اما روحانیان و مسلمانان متعهد، برخوردی متضاد با این جریان داشتند و میرزای شیرازی طی فتوایی که صادر نمود، خاطر نشان ساخت:

«هیچ مسلمانی حق ندارد برای

می‌رسانند.

در کربلا به عنوان مرکز انقلاب، دو مجلس تشکیل می‌گردد: یکی برای ترویج دین مبین اسلام و دیگری به منزله دولتی موقت در مناطق آزاد شده که شهرهای نجف، کوفه، کربلا و تعداد زیادی از شهرهای کوچک را در بر می‌گیرد. در این بین میرزای شیرازی رحلت نمود و پس از ایشان زعامت و رهبری انقلاب را شیخ الشریعه اصفهانی عهده‌دار گشت. وی بلافاصله فتوای جهاد میرزای شیرازی را تأیید کرد و از مسلمانان سنی مذهب خواست که فعالانه در این حرکت ضد استعماری حضور یابند. نبردها با شدت تمام‌تر و همراه با پیروزی‌های عظیم ادامه می‌یابد. در این میان استعمارگران به کمک نیروهای تقویتی پس از سرکوبی انقلاب در شمال عراق، همه توان نظامی و سیاسی خود را متوجه کانون انقلاب در منطقه فرات و کربلا نمودند. آرنولد ویلسن حاکم انگلیسی عراق با استفاده از موقعیت پیش‌آمده به رهبران انقلاب پیشنهاد صلح می‌دهد ولی رهبری قیام، مردم را به ادامه مبارزه دعوت می‌کند.

ضمن بیانیه‌ای، از طرح میرزای شیرازی مبنی بر ایجاد کشوری اسلامی و مستقل حمایت می‌کنند.

انقلاب استقلال طلبانه

نخستین حرکت عملی مردم، در صحن حضرت سیدالشهداء در کربلا آغاز شد، جمعیت زیادی پس از سخنرانی یکی از روحانیون، تظاهرات کرده و اوضاع بحرانی می‌شود. ویلسون نیز تصمیم به مقابله جدی می‌گیرد و عده‌ای از رهبران انقلاب تبعید می‌شوند. دسته‌هایی از مردم به صورت چریکی حمله به تأسیسات نظامی و تدارکاتی انگلیس را در مرکز عراق آغاز می‌کنند. پس از بمباران مناطقی از عراق توسط هواپیماهای انگلیسی، میرزای شیرازی فتوای جهاد صادر نمود و از آن پس انقلاب عراق به سرعت و با شدت توسعه یافت. در نقاط مختلف جنوب عراق درگیری‌های زیادی بین اشغالگران و مجاهدان روی داد، که فرمانداران انگلیسی در مقابل شکست‌های موضعی دائماً مواضع مجاهدین را بمباران می‌نمایند و افراد غیرنظامی را به شهادت

همین هنگام مزدوران بیگانه در شهر کربلا که مرکز انقلاب بود، به یک جنگ روانی بر ضد نهضت و رهبری آن دست زدند که بر اثر این شایعات و تبلیغات دروغین عده‌ای از مردم دچار یأس شدند، اختلاف نظرها و تفرقه‌ها آن چنان اوضاع را آشفته نموده بود که وقتی قوای استعماری شهر را محاصره کردند و در صدد تصرف آن برآمدند، هیچ‌گونه مقاومتی در برابر آنان انجام نشد. شهرهای کوفه و نجف نیز پس از بمباران‌های طولانی اشغال شدند و نیروهای انگلیسی اقدام به دستگیری و تبعید رهبران انقلاب و سایر علمای مبارز کردند.

قرارداد صلح

در ابتدا شرایط قرارداد صلح که از طرف انگلیس به مردم پیشنهاد شده بود، بسیار ننگین و خفت‌آور بود اما چون مدتی پس از تسخیر مراکز انقلاب، حملات چریکی عشایر مرکز به نیروهای انگلیسی، که آنان را به امان آورده بود ادامه یافت، طرفین روی قراردادی با شرایط ذیل موافقت کردند: آزادی اسیران انگلیس، عدم اخلال

حاکم جدید انگلیسی در عراق دولت انگلیس پس از این ماجرا ناگزیر شد ویلسون را که تمام نیروهای ترکش خود را شلیک کرده و نتیجه‌ای نگرفته بود، به لندن فراخواند و به جای او سر پرسی

رجال دین از مؤثرترین و بزرگترین مبلغین حرکت انقلابی در عراق بودند و ایسن روش را در خلال جنگ و بعد از آن داشتند و همین امر باعث شد که متصدیان حکومت، اقدام به تأسیس مدارس جدید کنند تا دین را در دل نسل نو ضعیف کنند و با این روش ریشه شورش را از بیخ و بن بکنند.

کاکس را که سیاستمدار باتجربه‌ای بود، منصوب کند. کاکس به محض آن که وارد عراق شد از سویی پیشنهاد یک حکومت ملی را مطرح کرد و از طرف دیگر فرمان حمله به

مبارزان و مجاهدان را داد. حملات سخت و بخصوص بمباران‌های وحشیانه توسط هواپیماهای انگلیس موجب شد که قدرت دفاعی مجاهدین رو به ضعف گذارد. در

شرایطی سازگار نیست، دکتر علی الوردی هم در اثر مشهور خود می‌نویسد:

این مجتهد شیرازی فتوا به وجوب قیام بر ضد استعمارگران را داد و بر مؤمنین مقدر کرده زکات اموال خود را برای هزینه مجاهدین بدهند و فقهای کربلا و نجف و کاظمین نقش مهمی در انقلاب عراق داشتند و پس از آن باز بر ضد حکومت قیام می‌کردند تا عاقبت به ایران تبعید شدند. مس بل، از مأمورین سیاسی انگلیس در عراق (در زمان انقلاب) اعتراف می‌کند: رجال دین از مؤثرترین و بزرگترین مبلغین حرکت انقلابی در عراق بودند و این روش را در خلال جنگ و بعد از آن داشتند و همین امر باعث شد که متصدیان حکومت، اقدام به تأسیس مدارس جدید کنند تا دین را در دل نسل نو ضعیف کنند و با این روش ریشه شورش را از بیخ و بن بکنند.

در خطوط برق و تلفن از سوی انقلابیون، عدم تعقیب انقلابیون از طرف انگلیس، تشکیل حکومت ملی در تمام سرزمین عراق، (در این زمینه بنگرید به: لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، دکتر علی حسین الوردی، الثورة العراقية الکبری، سنه ۱۹۲۰م، عبدالله الفیاض، الفكر العربی فی عصر النهضة، البرت حورانی، البطولة فی ثورة العشرين، عبدالشهید یاسری، تاریخ القضية العراقی، محمد مهدی البصیر، تجرة الثورة الإسلامیة فی العراق، منذ ۱۹۲۰ - ۱۹۱۴، احمد الکانب).

سید عبدالرزاق حسنی، مورخ معاصر عراقی در کتاب الثورة العراقية الکبری نوشته است:

از مهمترین و اساسی‌ترین عوامل زبانه کشیدن آتش انقلاب در نظر مورخین و ناظرین سیاسی، رجال دین بودند، عده بسیاری از این علما می‌گفتند: اسلام با هیچ‌گونه سیطره و تسلط خارجی در هیچ